

کارل یاسپرس

# فیلسوفان بزرگ

سقراط، بودا، کنفوسیوس و عیسی

ترجمه

دکتر اسد اللہ مبشری

بازنگری و تطبیق با متن آلمانی

محمد مبشری



انتشارات نیلوفر

## فهرست

۷	یادداشت ویراستار
۹	پیشگفتار
۲۱	دیباچه
۱۴۳	سقراط
۱۸۵	بودا
۲۲۹	کنفوسیوس
۲۸۵	عیسی
۳۳۵	مباحثات درباره این چهار انسان

## سقراط

منابع:

افلاطون (به ویژه: دفاعیه<sup>۱</sup>، کریتون<sup>۲</sup>، فایدون<sup>۳</sup>، میهمانی<sup>۴</sup>، فایدروس<sup>۵</sup>، تئتوس<sup>۶</sup>، و مناظره‌های نخستین<sup>۷</sup>). گزنفون<sup>۸</sup>، (خاطرات شایان تأمل<sup>۹</sup>، میهمانی، دفاعیه). اریستوفان<sup>۱۰</sup> (ابرها). ارسطو (متافیزیک).

آثار مرجع:

ایوو برونس<sup>۱۱</sup>. ادوارد مَیر<sup>۱۲</sup> (جلد چهارم، ص ۴۲۷ و ادامه، ص ۴۳۵ و ادامه). هاینریش مَیر<sup>۱۳</sup>. اشتنسل<sup>۱۴</sup>، ورنر یِگر<sup>۱۵</sup>، ژیگون<sup>۱۶</sup>.

### ۱. دانسته‌هایی درباره زندگی او (۳۹۹-۴۶۹):

پدر سقراط سنگ تراش و مادرش قابله بود. پس به هیچ وجه نسبی اشرافی

1. Apologie

2. Kriton

3. Phaidon

4. Symposion

6. Theätet

7. Frühdialoge

8. Xenophon

9. Memorabilien

10. Aristophanes

11. Ivo Bruns

12. Eduard Meyer

13. Heinrich Meier

14. Stenzel

15. Werner Jaeger

16. Gigon

۵. فایدروس

نداشت بلکه از مردم معمولی آتن بود. او به نعمت میراثی اندک و به مدد معاشی دولتی (از درآمد تماشاخانه‌ها و سایر منابع) که به همه افراد آتن داده می‌شد با قناعت زندگی می‌کرد و از نظر مادی بی‌نیاز بود. برای انجام تکالیف نظامی در نبرد پلوپونز<sup>۱</sup> در دلیون<sup>۲</sup> و آمفی‌پولیس<sup>۳</sup> مبارزه کرد. از نظر انجام تکالیف سیاسی، در سال ۴۰۶ ریاست شورای دولتی را اجباراً پذیرفت و برخلاف توده خشمگین که اعدام سرداران نبرد آرگی‌نوس<sup>۴</sup> را تقاضا داشتند و اجرای آن را تحمیل کردند به موجب قانون و به نام حق، اقدام کرد اما هرگز در دولت یا ارتش در پی کسب مقام مهمی برنیامد. همسر او گزانتیپه<sup>۵</sup> در زندگانی او نقشی نداشت.

نکته جالب اینکه ما از هیئت ظاهری سقراط اطلاع داریم. او نخستین فیلسوفی است که وی را با کالبد و هیئت مادی در برابر چشم مجسم می‌بینیم. او مردی بود زشت‌رویی با چشمانی برجسته و بینی افطس و لب‌های کلفت و شکم برآمده و کوتاه‌قد و قوی که به ساتیرها و سیلن‌ها می‌مانست.<sup>۶</sup> سقراط با بنیه‌ای استوار خستگی‌های توان‌فرسا و سرما را آسان بر خود هموار می‌ساخت. چهره‌ای که از سقراط در تصور ما نقش می‌بندد چهره مردی سالمند است. از ایام جوانی او کاملاً بی‌اطلاعیم. او در آتن که پس از نبردها با ایران برومند و توانگر و آبادان شده بود رشد کرد. هنگامی که جنگ بدفرجام پلوپونز آغاز شد تقریباً چهل ساله بود (۴۳۱ ق. م.). از آن پس نزد مردم معروف شد: قدیم‌ترین روایت که از سقراط با ما سخن می‌گوید قطعه «ابرها» اثر اریستوفان است که

1. Peloponnes

2. Delion

3. Amphipolis

4. Arginus

5. Xantippe

۶. Satyr در اسطوره‌های یونان، دیوی بود از تبار دیونیوسوس (Dionysos). ساتیر در قرن ششم و هفتم ق. م. در هیئت انسان و غالباً در حال رقص تصویر می‌شد. سیلن (Silen)‌ها موجودات انسان‌نمای دیگری بودند که با ساتیرها خویشاوندی داشتند و با گوش، دم و پای اسب تصویر می‌شدند.

از او با طنز و نیشخند یاد می‌کند (۴۲۳ ق. م.). او دوران زوال و نکبت آتن را به چشم دید (۴۰۵ ق. م.) و هفتاد ساله بود که دموکراسی آتن به اتهام الحاد علیه او اقامه دعوی کرد و در سال ۳۹۹ ق. م. وی را به نوشیدن شرنگ شوکران محکوم ساخت و سقراط در اثر آن زهر درگذشت.

۲. به تطورات معنوی او فقط از راه استنتاج می‌توان راه یافت. سقراط به فلسفه طبیعت آناکساگوراس<sup>۱</sup> و آرخلائوس<sup>۲</sup> و قوف داشت. جدل سوفسطی را از آغاز پیدایش آن مشاهده کرد و آن را فراگرفت. اما نه از دانستن فلسفه طبیعت طرفی بر بست، نه از آشنایی با فن سفسطه خرسند شد. فلسفه طبیعت به نفس انسان مددی نمی‌کرد. روش سوفسطی ممکن بود از طریق مورد سؤال قراردادن [اموری که مسلم به نظر می‌آیند] پرفایده باشد. اما آن‌طور که این روش اعمال می‌شد آدمی را یا به معرفتی که به غلط نوانگاشته می‌شد رهنمون می‌گشت یا با نفی کلیه مسلمیات ارزنده و معتبر در دایره فکرت سرگردان می‌داشت. سقراط در گرداب این اندیشه‌ها آموزه نوری نداشت، حتی موفق نشد شیوه تعلیم و ارشادی ابداع کند که فی‌نفسه کافی باشد.

باید روزی در ذهن سقراط چرخشی پدید آمده باشد. وقتی تشخیص داد که فلسفه طبیعت برای مسائل جدی بی‌اهمیت است و فهمید که روش سوفسطی موجب فساد و تلاشی می‌شود، این بناها در نظرش فروریخت، اما هنوز

۱. Anaxagoras از مردم یونان بود و قریب سی سال از عمر را در آتن گذراند. او معتقد بود تمام اجسام بی‌نهایت قابل انقسام است و خلاء وجود ندارد و روح غیر از ماده است. او نخستین دانشمند است که روشنایی ماه و خسوف و کسوف را از نظر علمی توجیه کرد و ماه و خورشید و ستارگان را سنگ‌های گداخته دانست و به اتهام این عقیده محاکمه شد. او را نخستین کسی می‌دانند که فلسفه را به آتن برد. سقراط از افکار او متأثر بود. بین محاکمه او و محاکمه سقراط شباهتی هست. م

۲. Archelaos فیلسوف یونانی از مردم ملطیه (قرن پنجم پیش از میلاد) و از پیش‌کسوتان سقراط. م.